

#### ۴۰ - عدم تنهای فضا و خلقت و معنی سماء و افلاک سبعة

**و از حضرت بهاء الله است. قوله الاعلی:** "این که از ارض سئوال نموده بودی و ما نطق به الحکماء فی الحقیقه این امور تا حال بتمامه کشف نشده هذا هو الحقّ و ما بعده الا الضلال ولكن حکمای این عصر نظر باینکه از تجلیات انوار ظهور قسمتی برده اند اعرف از قبل اند تا حال عدد سیارات را بتمامه نیافته اند عنقریب کشف میشود و بر عدد سابق میافزاید. این علم بحری است بی پایان از برای هر یک از ثوابت سیاراتی است و هریک از سیارات عالمی است از عوالم پروردگار من یقدر ان یحصی جنود ربک فیها او صنایع عباده فیها."

**و در لوحی از آن حضرت است. قوله الاعلی:** "و اینکه از افلاک سئوال نموده اید اولاً باید معلوم نمود که منظور از ذکر افلاک و سماء که در کتب قبل و بعد مذکور چیست و همچنین ربط و اثر آن بعالم ظاهر بچه نحو. جمیع عقول و افئده در این مقام متحیر و مهیوت و ما اطلع بها الا الله وحده حکماء که عمر دنیا را بچندین هزار سال تعبیر نموده اند در این مدت سیارات را احصاء نموده اند چه مقدار اختلاف در اقوال قبل و بعد ظاهر و مشهود و لکن ثوابت سیارات و لکن سیارة خلق عجز عن احصائه المحصون."

**و از حضرت عبدالبهاء است. قوله العزیز:** "این آفتاب فلک اثر را اشراق بر آفاق است و جمیع کائنات ارضیه بفیض تابش در نشو و نما است اگر حرارت و اشراق آفتاب نبود طبقات کره ارض تشکیل نمیشد و معادن کریمه تکون نمی یافت و این خاک سیاه قوه انبات نمی جست و عالم نبات پرورش نمی افتد و عالم حیوان نشود و نما نمیکرد و عالم انسان در کره ارض تحقق نمی یافت. جمیع این بخشایش از فیض آفتاب است."

**و قوله الکریم:** "و ان الاکتشافات التي سبقت للتقدمين من الفلاسفة و ارائهم لم تک مؤسسة علی اصل یقین و اساس رصین لانهم ارادوا ان یحصروا عوالم الله فی اضیق دائرة و اصغر ساهرة و تحیروا فی ما ورائها الی ان قالوا لاخلاء و لا ملاً بل عدم صرف و هذا الرأی مناف و مباین لجمیع المسائل الالهیة و الاسرار الربانیة بل عند تطبیق عوالم المعانی بالصور و الروحانیات بالجسمانیات تجد هذا الرأی اضعف من بیت العنكبوت لان العوالم الروحانیة النورانیة منزّهة عن حدود الحصریة و العددیة و كذلك العوالم الجسمانیة فی هذا الفضاء الاعظم الاوسع الرحیب ... و اما ما ذکر من الطبقات السبع و السموات السبع المذكورة فی الاثار التي سبقت من مشارق الانوار و مهابط الاسرار لم یکن الا بحسب اصطلاح القوم فی تلك الاعصار کلّ کور له خصائص بحسب القابلیات و استعداد ظهور الحقائق من خلف الاستار اذ کلتشیئی عند ربک بمقدار و ما قصدوا بذکر الافلاک الا المدارات للسیارات الشمسیة التي فی هذا العالم الجامع لنظام الشمس و توابعها لان سیارات هذه لشمس اولو الاقدار السبعة من حیث الجرم و الجسمامة و الرویة و النور و مدار القدر الاول منها فلک من افلاک هذا العالم الشمسی و سماء من سموات هذه الدائرة المحیطة المحدودة للجهات الواقعة ضمن محیطها و كذلك کلّ الدراری الدرهره الساطعة فی

وجه السماء التي كلّ واحد منها شمس و لها عالم مخصوص بتوابعها و سيّاراتها اذا نظرت اليها تجدها بالنظر الى ظهورها الى الابصار من دون واسطه مرايا المجسمه يظهر انها على اقدار سبعة و مدار كلّ قدر منها او دائرته سماء مرفوع و فلك محيط في الوجود..."